

یحیی آل اسحاق: رئیس جمهوری به اندازه مسائل خارجی در امور داخلی وقت بگذارد



امروز یکی از مسائل مرتبط با انتخابات، چگونگی تحقق مشارکت هرچه بیشتر است. به باور من، اگر بتوان در مدت باقی مانده از فعالیت دولت دوازدهم، نگرانی‌های عمده مردم را با اولویت حل و فصل کنیم، زمینه رفع التهابات و حضور و دلگرمی بیشتر مردم فراهم خواهد شد. برای این منظور، نخست باید دید التهابات چیست و از کجا است،

اولویت‌های حل آن چیست و در این مدت باقی مانده، برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات چه می‌توان کرد؟

برخی از التهاباتی که امروز در جامعه دیده می‌شود، مربوط به مسائل خارجی ما است. برای همگان مشخص است که تهدیدها و تحریم‌ها یک مسأله و مسأله دیگر، چiesti نتیجه و فرجام مذاکرات اخیر هسته‌ای است. امیدواریم این مذاکرات هرچه سریع‌تر به نتیجه مطلوب رسیده و باعث خرسندی همه شود. اما در این میان یک نکته قابل توجه وجود دارد و آن، اینکه شما (رئیس جمهوری) وقت زیادی را برای مذاکرات با طرف‌های خارج، اختصاص دادید. به طور کلی، می‌توان گفت نسبت به مسائل داخلی، شما به مراتب وقت بیشتری را به مسائل سیاست خارجی اختصاص دادید. از این رو معتقدم اگر، وقت بیشتری را به حوزه سیاست داخلی اختصاص دهید، با تبیین بیشتر، صوری بیشتر، مذاکرات بیشتر، دلگرمی و همدلی بیشتر و اساساً با توجهات بیشتر در داخل، زمینه کاستن از التهابات هم فراهم می‌شود. به‌عبارت دیگر، کم شدن التهابات داخلی، نیازمند این است که وقت بیشتری صرف آن شود. به‌عبارت دیگر، به همان نسبتی که با طرف‌های خارجی وقت گذاشته می‌شد، به همان نسبت هم با صوری برای داخل هم صرف شود تا بتوان به نوعی از اجماع دست یافت.

گذشته از این، در زمینه مسائل داخلی، نقاط قوت زیادی داریم و تلاش‌های زیادی هم انجام شده است. باوجود این، همگان اذعان دارند که باوجود این تلاش‌ها، چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف و عمدتاً در حوزه‌های اقتصادی بویژه در زمینه معیشت مردم وجود دارد. مردم

در بررسی کارنامه

شما، می‌توان به دستاوردهایی چون دستیابی به برجام، حفظ و احیای آن اشاره کرد. در کنار آن، برخی وزارتخانه‌ها مانند خارجه، ارتباطات، نیرو و چند وزارتخانه دیگر کارهای بسیار خوبی انجام داده‌اند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. در کنار اینها، البته به برخی وزارتخانه‌ها مانند کشور، بهداشت و درمان یا وزیر اقتصاد فعلی

نقدهایی نیز وارد است.

باوجود این، مسأله‌ای که اکنون می‌خواهم به آن اشاره کنم، دو موضوع و دو مطالبه دارای فوریت است که در هفته‌های پیش رو امکان مداخله مؤثر دولت در این دو موضوع وجود دارد و مداخله نکردن دولت در این دو موضوع، خطای استراتژیک و مؤثر خواهد بود. قرنطینه فوری سراسری برای مهار موج چهارم کرونا و تأکید بر واکسیناسیون رایگان عمومی همگانی، دو

مسأله دارای فوریت پیش روی دولت شما است.

حتی در سرمایه‌سازترین نظام‌های دنیا، سیاست‌های جهان هم می‌بینیم که توزیع واکسن در یک نظام عادلانه و با نظرات کافی انجام می‌شود. در این کشورها حتی اگر بخش خصوصی در تأمین و واردات واکسن نقشی ایفا می‌کند، در توزیع واکسن هیچ نقشی ندارد. اما در کشور ما، متأسفانه سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا و یک عضو اتاق بازرگانی، صنایع و معادن اعلام کردند که علاوه بر نظام شفاف و عادلانه اعلام شده برای توزیع واکسن در کشور که رایگان خواهد بود و تا پایان سال انجام خواهد شد، فروش واکسن از سوی بخش خصوصی هم دنبال خواهد شد. این تصمیم درحالی اتخاذ شده که حتی در آمریکا و ژیمبابوه که ابتدا به دنبال خصوصی‌سازی تزریق واکسن بودند، به قدری عوارض برای این کشور داشت با فشار وارد شد که مسئولان این کشورها بعداً از تصمیم خودش برگشتند. بنابراین امروز همه کشورها مجبور شدند به اقتضای عدالت در بحث سلامت تن بدهند و هر میزان واکسنی که وارد می‌شود، از سوی دولت و به رایگان توزیع شود. هر چند دولت می‌تواند واکسن را با همان قیمتی که بخش خصوصی می‌خواهد بفروشد، از او بخرد، تا اینکه انگیزه واردات داشته باشد و ضعف دولت در خرید و تأمین واکسن جبران شود. اما مسأله این است که هر تعداد واکسن که وارد کشور می‌شود و از هر طریقی که وارد می‌شود، در همان فرایند واکسیناسیون سراسری و براساس اولویت‌بندی عادلانه تدوین شده، توزیع شود.

متأسفانه تجربه چند هفته گذشته کشور، بویژه آنچه در واکسیناسیون بیماران خاص گذشت، نشان می‌دهد هنوز وزارت بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا برای مدیریت کارآمد و توزیع ضایع افزایش این واکسن‌ها آماده نیست. از این رو بسرعت باید برای ایجاد یک سامانه شفاف تمهیدی اندیشیده شود. امروز که میزان واکسن کشور اندک و توزیع آن محدود است، شاهد صف‌های چند صدنفره هستیم. به‌نظر می‌رسد وقتی به مرحله واکسیناسیون انبوه برسیم، این صف‌ها و ناآرامی‌ها بیشتر عیان شوند. امروز حتی کشورها ی‌شرفته در زمینه حکمرانی نیز در زمینه توزیع واکسن ضعف‌هایی از خود نشان داده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد در کشور ما ستاد ملی مقابله با کرونا تا حدی که این مسأله را دست‌کم نگرفت، برای رفع این چالش، ضروری است که همین امروز سامانه اطلاعات سلامت ایرانیان کامل شود و درعین حال، ضروری است از همه ظرفیت‌های نهادهای حکمرانی برای اجرای کارآمد آن استفاده شود تا شاهد موارد نقض توزیع عادلانه و گزارش تزریق خارج از صف نباشیم. زیرا این امر، در این شرایط رسانه‌ای که یک امپراطوری رسانه‌ای برخی ضعف‌ها را در کشور را برجسته می‌کند، می‌تواند بحران زیادی برای دولت ایجاد کند. ستاد کرونا باید این موضوع را با شدت و سرعت و جدیت پیگیری کند.

مطالبه دوم که اهمیت بیشتری دارد، قرنطینه فوری سراسری است. اجماع سیاستی بزرگی میان همه کارشناسان سراسر کشور وجود دارد که در این مرحله از موج چهارم شیوع ویروس کرونا، هیچ راهی جز قرنطینه سراسری نداریم. در غیر این صورت با هزاران مرگ اجتناب‌ناپذیر رو به رو خواهیم شد. ما ملاحظات اقتصادی دولت را درک می‌کنیم، اما حتی باوجود این ملاحظات اقتصادی، باز هم شرایط ایجاب می‌کند که این قرنطینه سراسری و فوری زودتر در کشور اجرا شود. اگر – چنانچه مطالبه شد

«چگونه تیم مذاکره را یاری کنیم؟»



رضا نصیری
حقوقدان بین‌المللی

بنجامین فرانکلین - یکی از بنیانگذاران ایالات متحده - برای تشریح نظام معاهدات و به تبع نظام شکل‌گیری سیاست خارجی در آمریکا مثال جالبی به‌کار می‌برد: معروف است که می‌گوید پیمان‌های بین‌المللی در آمریکا بر دوش مار دو سوری حرکت می‌کنند که می‌خواهد برای نوشیدن آب به لب چشمه برود و در میان راه به یک دو راهی می‌رسد. یک سر مار (قوه مجریه) می‌خواهد از مسیر راست به حرکت ادامه دهد و سر

دیگر مار (کنگره) می‌خواهد از مسیر چپ به چشمه برسد. جدالی فرسایشی آغاز می‌شود و معمولاً در انتها، مار پیچره از تشنگی بر سر دوراهی تلف می‌شود! از زمان بنجامین فرانکلین تاکنون این نقض در نظام سیاسی و حقوقی آمریکا - دست‌کم از نظر «ساختاری» - اصلاح و برطرف نشده است. در دو قرن گذشته نیز صدها معاهده و پیمان بین‌المللی میان آمریکا و کشورهای ثالث به دلیل این نقض ساختاری - که بدان جدال میان نهاده‌ها و بازیگران جدیدتر هم اضافه شده - بر سر این دوراهی تلف شده‌اند! این مسأله ساختاری فقط محدود به اعتقاد و ورود به معاهدات نیز نمی‌شود. خروج از معاهدات، اجرای آنها و تعریف نقش و وظایف و اختیارات نهادهای مختلف در قبال تعهدات بین‌المللی آمریکا نیز همواره محل اختلاف و سردرگمی و بحث‌های آکادمیک بوده است.

اما هر چند در «ساختار» اصلاحی صورت نگرفته، لیکن در «عمل» در چند دهه گذشته، عرف و رویه به نحوی در آمریکا شکل گرفته که در بسیاری از مواقع - در جلال میان سرهای مار - «سر قوه مجریه» از «سر کنگره» و سرهای دیگر بازیگران در پیشبرد سیاست خارجی قوی‌تر شده است و می‌تواند تحت شرایطی بدن مار را به دنبال خود بکشد! ولی، از آنجا که «ساختار» به کمق قوه مجریه نمی‌آید، این «قوی‌تر عمل کردن» مستلزم این شده که قوه مجریه از «سرمایه سیاسی» و «حمایت عمومی» - یعنی از دو عنصر خارج از ساختار - در پیشبرد اهداف خود برخوردار شده و یاری بگیرد. یعنی اگر سرمایه سیاسی هدر رفت، با اگر افکار عمومی به جهت مخالف خواست دولت اقبال پیدا کرد، قوه مجریه نیز در جدال با کنگره و سایر نهادهای رقیب در اجرای برنامه خود بعضاً ناکام خواهد ماند.

در تعامل با آمریکا، درک این دینامیک بسیار مهم است. کشورهایی که این دینامیک را درک کرده‌اند، غالباً کوشیده‌اند با تأسیس لابی و رسانه و گروه‌های فشار در جدال‌های درونی آمریکا تأثیر بگذارند و تصمیمات واشنگتن را آنطور که به نفع‌شان است هدایت کنند. به عبارت دیگر، بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند به صورت سیستماتیک بروزن و ارزش «سرمایه سیاسی» طرف دلخواه و «افکار عمومی» آمریکا - با رفتن‌های مختلف - تأثیر بگذارند تا مقاصدشان آنطور که می‌خواهند تأمین گردد. در این میان، اسرائیل یکی از موفق‌ترین بازیگرانی است که توانسته با تمرکز بر کنگره همواره محاسبات و تصمیمات دولت را نیز تحت تأثیر قرار دهد. یکی از ضعیف‌ترین کشورها در این حوزه نیز «ایران» است که غالباً این دینامیک را نفی می‌کند و - از آنجا که آمریکا را یک واحد همگن و هماهنگ و دوراندیش می‌پندارد - هرگونه کشمکش میان نهاده‌ها و کانون‌های مختلف قدرت در واشنگتن را نیز «دسیسه» یا «بازی پلیس خوب، پلیس بد» تلقی می‌کند.

به‌خاطر همین جنس درک از نظام سیاسی آمریکاست که در سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم چگونه منتقدان دولت روحانی از اینکه تیم مذاکره‌کننده «توانسته» در مذاکرات برجام تحریم‌های «کنگره» را لغو کند شکایت کرده‌اند یا چگونه فلان اقدام کارشکنانه کنگره را «دسیسه» و «برنامه» از پیش‌تعیین شده دولت» ارزیابی کرده‌اند. بعضاً حتی شاهد بوده‌ایم منتقدین برجام «حوزه اختیارات» را رابطه قوه مجریه و کنگره را در تحلیل‌هایشان نادیده گرفته‌اند یا حتی امضای تشریفات و غالباً اجتناب‌ناپذیر یک مصوبه کنگره توسط رئیس جمهوری را دال بر «همراهی دولت و کنگره» خوانده و تیم مذاکره‌کننده خودی را بابت «اعتماد» یا «فریب خوردن از رئیس جمهوری» سرزنش نموده‌اند! ایضاً دیده‌ایم حتی تلاش برخی مقامات برای تقویت «سرمایه سیاسی» جریان موافق‌تر در واشنگتن یا کوشش او برای جذب «افکار عمومی» آمریکا را نیز تخطئه نموده یا به طعنه به «همدستی با دموکرات‌ها» تعبیر کرده‌اند!

در سال‌های گذشته، این درک ناقص از دینامیک و پیچیدگی‌های سیاست‌گذاری در آمریکا نه تنها منجر به انتقادات غیرمتصفانه از تیم مذاکره‌کننده ایران شده بلکه انتظارات غیرواقع‌بینانه نیز از آن ایجاد کرده است. در واقع تحلیل و تصویر که در کشور در مورد نظام سیاسی آمریکا غالب شده است باعث شده تنها ایران در پیشبرد اهداف خود با زحمات فراوانی روبه‌رو شود بلکه دیپلمات‌های کشور نیز با ابزار محدودتر و ناقص‌تری وارد کارزار مذاکراتی شوند. به بیان دیگر، این «تصور غالب» باعث شده - به عنوان مثال - از یک‌سو دستگاه دیپلماسی را محدود به مذاکره در مورد تحریم‌هایی کنیم که لغو آن در اختیار قوه مجریه آمریکاست، اما از سوی دیگر توقع داشته باشیم در فرایند مذاکرات قوه مجریه تحریم‌های کنگره را نیز لغو نماید! یا مثلاً دستگاه دیپلماسی را از یک‌سو از مبادرت به هرگونه ابتکار دیپلماتیک، سیاسی و رسانه‌ای در قبال آمریکا - ولو در حد نشستن پشت یک میز یا تلاش برای تقویت بازوی یک جریان منتقد سیاسی یا حتی جلب افکار عمومی - منع کنیم، اما از سوی دیگر از آن توقع داشته باشیم دولت آمریکا را بدون هیچ فضا سازی و زمینه‌چینی به لغو آنی تمام تحریم‌ها وادار کند!

طبیعتاً، تاووم این نگرش در آینده پاسخگوی نیازهای کشور نخواهد بود. اگر بپذیریم لغو تحریم‌های آمریکا به یک ضرورت برای کشور تبدیل شده است، دیگر نمی‌شود بدون لحاظ کردن ظرفیت‌ها و دینامیک درونی این کشور - و به تبع، بدون تطبیق دادن اهرم‌ها و ابزارهای دستگاه دیپلماسی با ملزومات تعامل با این نظام سیاسی - با شیوه «کج‌دار و مریز» کنونی با این قدرت جهانی وارد داد و ستد شویم. در واقع، نمی‌شود دستگاه دیپلماسی را همچنان از هرگونه اهرم و ابزار و اختیاری که می‌تواند وزن جریان موافق برجام در آمریکا را - در جدال با جریان مخالف - تقویت کند محروم سازیم و از طرف دیگر از آن انتظار حصول نتایج خارق‌العاده داشته باشیم.

به عبارت دیگر، امروز که تیم مذاکره‌کننده برای ارائه گزارش و دریافت دستورالعمل‌های بعدی از وین به تهران بازگشته است، روایت دستاورد و گزارش آن را بدون لحاظ کردن دینامیک درونی و ویژگی‌های صحنه سیاسی آمریکا ارزیابی کنیم و براساس یک ارزیابی ناقص برای مذاکرات بعدی دستور صادر کنیم. برای تحقق بهترین نتیجه ابتدا لازم است بررسی کنیم دستگاه دیپلماسی چگونه و با استفاده از کدام ابزار و شگردی می‌تواند جریان موافق برجام را برای لغو تحریم‌ها و مقابله با کارشکنی‌های جریان مخالف در کنگره و نهادهای غیررسمی یاری کند؛ سپس - با مجهز کردن تیم مذاکره به ابزار و اختیارات لازم - آن را مجدداً برای تحقق اهداف کلان کشور راهی وین نماییم. دستگاه دیپلماسی قادر نخواهد بود با دستان بسته، با حداقل اختیار و بدون مقدمه‌چینی و فضا سازی‌های لازم دولت بایندن را وادار به رفتاری کند که مطابق میل و خواست دولت ایران باشد.

زهراساعی:

واکسیناسیون عمومی را جدی بگیرد



امروز همه بر این وقوف داریم که میزان مشارکت مردم در انتخابات یک چالش مهم کشور است. برآوردها از نتایجان و افشار مردم نشان دهنده پایین بودن نرخ مشارکت در انتخابات است. در نظرسنجی‌ها و آسیب شناسی‌های وزارت کشور، افشار مختلف دلایلی را برای این امر مطرح می‌کنند که بسیاری از این دلایل از اسفند ۹۸ تا امروز ثابت مانده و ادامه یافته‌اند.

البته اکنون پیگیری برجام و مذاکراتی که در حال انجام است، نور امیدی را در مردم ایجاد کرده است. مردم ما آگاه هستند و می‌دانند مشکلات از کجا آغاز شده است. با وجود این، شدت مشکلات مردم را ناراضی و عصبانی کرده است. امیدوار هستیم با حمایت‌های رهبر معظم انقلاب که همیشه همراه تیم مذاکره‌کننده بوده است، دیپلمات‌های ایران بتوانند در این دور هم موفق شوند، چرا که این امر زمینه ساز افزایش آمار مشارکت خواهد بود.

اما بدون اینکه بخواهیم مذاکرات برجامی اخیر را که اهمیت جلوه دهیم، باید اشاره کرد که مذاکرات و رفع تحریم‌ها تنها مسأله‌ای نیست که می‌تواند موجب افزایش مشارکت مردم در انتخابات شود. مسائل دیگری هم وجود دارد که توجه به آنها می‌تواند باعث افزایش مشارکت مردم شده و زمینه را برای انتخاب فردی آگاه و معتدل فراهم آورد. امروز واکسیناسیون یک مسأله جدی برای کشور و مردم است. اعلام وزارت بهداشت و سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا مبنی بر اینکه بخش خصوصی هم می‌تواند واکسن کرونا را وارد و توزیع کند، نگرانی‌هایی را در مردم ایجاد کرده است. نفس مجوز واردات واکسن، امری پسندیده است و مردم را خوشحال کند، اما تداوم این خصوصی سازی در فرایند توزیع و تزریق واکسن نگران کننده است. این امر، برای افراد فاقد توانایی مالی این غدغه را ایجاد می‌کند که واکسن، صرفاً برای افراد دارای ثروت است و افراد ضعیف و فقیر نمی‌توانند واکسن کرونا را تهیه کنند. این امر در صورت اجرا شدن، به‌شکاف طبقاتی دامن می‌زند.

واکسیناسیون در دنیا کاملاً حاکمیتی شده و شرکت‌های تولید کننده واکسن‌ها را صرفاً به دولت‌ها می‌فروشند. حتی اگر شرکتی از کشوری می‌خواهد واکسن تهیه کند، باید از طرف دولت‌های خود نمایندگی داشته باشند. سؤال این است که در کشور ما برای این امر چه سازوکاری پیش‌بینی شده است؟ تا آنجا که می‌دانم، فعلاً مقررات خاصی وجود ندارد که چه شرکت‌هایی می‌توانند واکسن بخرند، یا چه قیمتی بخرند و یا چه قیمتی به مردم داده شود و اساساً نظارت بر خرید و توزیع واکسن‌ها و اینکه محصول کدام شرکت‌ها باشد، مشخص نیست.

این امر به نگرانی‌هایی دامن زده است که واکسن‌های تهیه شده در نهاییت سر از بازار آزاد در بیاورند. از این‌رو ایجاد فرایند نظارت بسیار قوی در این شرایط ضروری است. این نظارت باید به‌گونه‌ای طراحی شود تا به مردم اطمینان دهد مشکلات برشمرده شده پیش نخواهد آمد. به نوبه خود، از شما اعضای هیأت دولت تشکر می‌کنم که امسال نرخ حقوق و دستمزد کارگران بیش از نرخ تورم تعیین شد. اگر در کنار این امر، بتوان تمهیدی اندیشید که براساس برخی قوانین و فرمول‌های جدید، کارت‌های هوشمندی در اختیار کارگران قرار دهد، بسیار مفید خواهد بود. زیرا این کارت‌ها که هر گانه‌ای تأمین اعتبار یا به اصطلاح شارژ خواهند شد، به‌کارگران کمک خواهند کرد تا بخش عمده‌ای از کالاهای اساسی خود را در این شرایط سخت اقتصادی تأمین کنند. دغدغه دیگر ما، قراردادهای سفید امضا است. برخی گزارش‌ها حاکی است اکنون نزدیک به ۹۵ درصد قراردادهای در حال بسته شدن، سفید امضا هستند که این امر، امنیت شغلی کارگران را در معرض خطر قرار می‌دهد. از جنابعالی و دولت شما تقاضا داریم در ماه‌های باقی مانده از فعالیت‌ها، توجه بیشتر به زنان سیرپرست خانوار را در دستور کار خود قرار دهید.

در زمینه معیشت براستی تحت فشار هستند. به‌لحاظ طبقاتی، حدود ۶۰ درصد یا بیشتر از جمعیت کشور جزو طبقات متوسط به پایین قلمداد می‌شوند. واقعیت این است که این جمعیت، با درآمدهای فعلی نمی‌تواند از عهده هزینه‌ها و تأمین نیازهای خود بر بیاید یا به عبارت دیگر، قدرت خرید لازم را ندارد. کما اینکه مطابق آمارها، تقریباً ۷۰ درصد درآمدهای این طبقه صرف ۵ حوزه، معیشت و خوراک، اجاره مسکن، بهداشت، آموزش و پوشاک می‌شود. مضاف بر اینکه تورم این مجموعه ۵ موردی، حداقل یک برابر و نصف تورم رسمی است که باعث وارد شدن فشار مضاف به این طبقه می‌شود. اگر ما بتوانیم در مدت باقی مانده از کار دولت، در این ۵ حوزه که سه حوزه غذا و خوراک، اجاره مسکن و بهداشت، اولویت بیشتری دارند، تلاش بیشتری صرف کنیم، در این صورت خواهیم توانست آرامش بیشتری را برای قاطبه جمعیت کشور رقم بزنیم.

به باور من، امروز بخشی‌های مختلف برای حل مشکلات مردم در این زمینه‌ها تلاش می‌کنند، اما اگر این تلاش‌ها قدری بیشتر شود و مشکلات مردم به‌صورت محسوسی رفع شود، انگیزه مردم هم برای مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری به‌صورت قابل توجهی افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، نه فقط مشکل اقتصاد به‌عنوان مشکل اساسی امروز کشور، بلکه سایر چالش‌هایی که ایران با آن رو به روست، اقتضا می‌کند که چهره‌های حاضر در انتخابات، از کاریزها، کارنامه و توانمندی‌های به نسبت مقبولی برخوردار باشند تا بتوانند به تنهایی از عهده همه مسائل داخلی و خارجی بر بیایند و در مردم ایجاد اعتماد کند. اما متأسفانه تاکنون چنین چهره‌ای مطرح نشده است، یعنی تا امروز فردی به‌عنوان نامزد مطرح نشده است که وقتی مردم نام او را می‌شنوند، اعتماد کرده و با خود بگویند این فرد می‌تواند از پس این مسائل بر بیاید و مشکلات را حل کند.

چنین وضعیتی به ما می‌گوید باید در رابطه با مسأله انتخابات راهی نو انتخاب کرد. پیشنهاد مشخص من این است که زمینه‌هایی فراهم شود تا نامزدهای انتخاباتی، علاوه بر معرفی خود، تیم اقتصادی خود را نیز معرفی کنند تا براساس این تیم، مردم بتوانند بگویند این افراد با این نامزد مشخص، می‌تواند از پس مشکلات بر بیاید. به عبارت دیگر، معرفی کردن تیم اصلی یا تیم اقتصادی از سوی نامزدها، یکی از راه‌های جلب اعتماد مردم و به تبع، افزایش مشارکت آنان خواهد بود؛ زیرا اکنون مردم شناخت لازم را نسبت به افراد تازه وارد ندارند.

و خود ما هم یک نامه با امضای ۵ هزار فعال مدنی و کادر درمانی برای شما ارسال کردیم- از فرصت تعطیلات نوروز که هزینه کمتری برای دولت دارد، برای مهار این موج استفاده می‌شد، شرایط امروز کشور بهتر بود که متأسفانه از این فرصت استفاده نشد. امروز هم محاسبات نشان می‌دهد که اگر قرنطینه سراسری در کشور اعمال شود، حداقل ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بیشتر از دوره تعطیلات نوروز به اقتصاد ایران لطمه وارد می‌شود. اما با این حال اگر می‌خواهیم از مرگ‌های بیشتر ایرانیان پیشگیری کنیم، چاره‌ای جز اتخاذ این تصمیم نداریم. البته مسأله فقط جلوگیری از مرگ هزاران ایرانی نیست، هر چند صحبت از ۲۰ هزار جان عزیز است، اما علاوه بر این‌ها، احتمال جوش ویروس کرونا که مطابق برخی روایات‌ها در ایران اتفاق افتاده، در این پیک بالا خواهد بود که در این صورت، احتمال کنترل بیماری و ویروس از سوی نظام سلامت ما هم وجود نخواهد داشت. در این دوره نظام سلامت ما از معدود بخش‌های ستاد کرونا بود که فداکارانه و مطابق با استانداردهای جهانی بخوبی کار کرد. اما در صورت تداوم این وضعیت و مداخله نشدن برای اجرای قرنطینه سراسری، این وجود دارد که نظام سلامت ما فرسوده شده و حتی به سمت فروپاشی برود. کاش دو هفته پیش قرنطینه سراسری اعمال می‌شد، اما حتی در هفته‌های پیش رو هم قرنطینه سراسری، به نسبت هزینه‌ای که عدم انجام این کار خواهد داشت، تصمیمی قابل دفاع است.

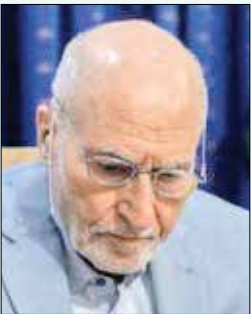
حتی یک متخصص هم نیست که علی‌رغم توجه به فشارهای اقتصادی که بر دولت است، پیشنهاد قرنطینه سراسری را مطرح نکرده باشد. اگر دولت این کار را نکند، بدرستی مورد نقد جامعه کارشناسان قرار خواهد گرفت. حتی قرنطینه دو هفته‌ای هم می‌تواند کارساز باشد و چه بسا بدون آن احتمالاً برگزاری انتخابات، اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار خواهد بود و در این صورت این دولت باید با خاطره بدی به دولت بعد از خود واگذار شود.

البته حتماً ضروری است که هم‌زمان با قرنطینه فوری سراسری، حمایت مادی از افشار آسیب پذیر هم در دستور کار باشد. مطابق برخی مطالعات دویاری که به افشار آسیب پذیر وام داده شد، از مؤثرترین مداخلات گزارش شده کرونیایی در جهان بوده است. اکنون به ۱۸ میلیون خانواری که ۶۰ میلیون جمعیت ایران را پوشش می‌دهند، کمک هزینه معیشتی تلقی می‌گیرد. اگر به همه این ۱۸ میلیون خانوار، برای این دو هفته یک میلیون تومان داده شود، هم حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان هزینه دارد. با توجه به اینکه اکنون نزدیک به ۴۰ میلیون فقیر در کشور داریم، این تصمیم ضروری است. البته متوجه هستیم که این امر چه بار اقتصادی برای دولت دارد، اگر لازم باشد، حتی شاید از منابع دیگر تأمین شود و اگر دولت از این کار بریزد کند، جز هزاران مرگ اجتناب‌ناپذیر پیامدهای دیگری هم خواهد داشت که خود شما به آن توجه دارید.

اصولاً به نظر می‌رسد دولت دارد چشم‌انداز کرونا را دست‌کم می‌گیرد. اظهار نظر شما که گفتید پیک کرونا گذشته و وضعیت شیوع آن رو به بهبود خواهد بود، ناشی از همین بود. مشاوری که این حرف را مطرح کرده، به اجماع سیاستی درباره اینکه ما حالا حالا‌ها درگیر کرونا خواهیم بود، توجه نداشته است.

ستاد ملی مبارزه با کرونا فقط در بخش درمان خوب عمل می‌کند و در زمینه‌های پیشگیری و محدودیت، نظارت و حمایت اقتصادی، پیشگیری و رصد و حمایت، پروژه واکسیناسیون و اطلاع‌رسانی ضعیف عمل می‌کند. این امر نشان می‌دهد که این ستاد توان آن را نخواهد داشت که تا حدی از اوج بحران رد شویم. ستاد ملی مقابله با کرونا برای رفع این نقیصه و افزایش توان کارشناسی و عملیاتی خود در دو ماه پیش رو، باید از نیروهای تواناتر و خبره‌تر استفاده کند. من واقعاً متأسفم که از سازمان نظام پزشکی ایران حتی یک نماینده هم در ستاد ملی مقابله با کرونا نیست، آن هم به‌شکلی که نظام پزشکی که به‌عنوان متخصص حکمرانی سلامت محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد عضو نبودن حتی یک نفر از این نهاد در ستاد ملی مقابله با کرونا، منجر به تأخیرهای هزینه ساز می‌شود.

حیف است که وقتی زیرساخت‌های سلامت کشور تا این اندازه خوب است و دولت تدبیر و امید هم در سال‌های اخیر هزینه‌های زیادی را صرف آن کرده است و باوجود عملکرد درخشان کادر درمان، مواردی که شاید هزینه زیادی هم ندارد، مورد توجه ستاد قرار نگیرد و باعث شود بسیاری از دستاوردهای دیگر دولت از جمله احیای برجام در ماه‌های پیش رو تحت الشعاع قرار بگیرد.



نبوی: می‌خواهم دو نکته کوتاه را متذکر شوم. نخست اینکه تقاضا کنیم دولت در مدت باقی مانده از مسئولیتش سعی کند از دستاورد سیاست‌هایش خصوصاً در زمینه سیاست خارجی پاسداری کند. تا ناچار نشود تحت فشارهایی کاری را بکند شبیه آن کاری که در اواخر دوره هشتم شد و در روز آخر مجبور شد دستور توقف غنی سازی را لغو کند. من وقتی فشارهای زیادی را که روی دولت هست می‌بینم نگران می‌شوم. می‌بینم دولت مجبور می‌شود موضعی بگیرد که اعتقاد واقعی اش نیست و این نگران کننده است. خواهشمندم به این موضوع توجه کنید که حیف است این دستاوردها مثلاً با یک اقدام

بهراد نبوی: دولت در روزهای آخر از دستاوردهایش کوتاه نیاید

در روز آخر از بین بیرو. حالا البته خبرهای خوبی از مذاکرات (وین) شنیده می‌شود و ان شاءالله به جای خوبی می‌رسد که در آن صورت نگرانی بی‌مورد است. نکته دوم هم در مورد انتخابات است. کاملاً به حدود اختیارات دولت کند از دستاورد سیاست‌هایش واقف و همچنین مسائلی را که سبب می‌شود انتخابات غیر آزاد و غیر سالم شود می‌شاسم.

با این حال معتقدم دولت باید با تمام توان قانونی خود سعی کند که انتخابات به شکل آزاد و سالم برگزار شود و از اعمال نفوذها و تخلفات جلوگیری کند. این طور نباشد که دولت فکر کند که خب انتخابات بالاخره یک مسیر دیگری ممکن است داشته باشد، پس ما هم دیگر خیلی دنبالش نباشیم و لازم نیست برای حفظ آزادی و سلامت انتخابات خیلی تلاش کنیم. معترقدم به همین شرایط هم می‌شود با تمام قوا در مقابل اعمال نفوذها و تخلفات ایستاد و انتخاباتی در حد قابل قبول برگزار کرد.